



درس نهج البلاغه شناسی استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۱/ اردیبهشت/ ۱۳۹۹

موضوع کلی: نهج البلاغه شناسی

مصادف با: ۶ رمضان ۱۴۴۱

موضوع جزئی: موانع اعتبار نهج البلاغه - موانع شکلی و محتوایی

جلسه: ۲۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم هر چند نهج البلاغه مجموعه‌ای از روایات مرسله است ولی اگر مرسلات جزمی سید رضی را معتبر بدانیم، دیگر مشکلی نخواهیم داشت اما اگر مرسلات جزمی سید رضی را معتبر ندانیم، از راه قرائن و طرقی که از موازین علم رجال محسوب نمی‌شوند، می‌توانیم به حجیت و اعتبار نهج البلاغه قائل شویم. چندین قرینه را دیروز عرض کردیم که این‌ها می‌تواند به نوعی اعتبار نهج البلاغه را در ذهن ما تقویت کند، به این معنا که نزد ما حجت باشد. مثل اینکه در مضامین خطبه‌ها و حکمت‌ها و نامه‌های حضرت علی (علیه السلام) مسئله مطابقت با قرآن کریم، مطابقت با مضمون روایات معتبر، علو مضمون و علو ظاهری و لفظی نهج البلاغه ملاحظه شوند و بواسطه آن‌ها نهج البلاغه را حجت بدانیم، اما اینها نهایتاً به شرطی می‌تواند حجیت را اثبات کند که مانعی در برابرش نباشد، یعنی این‌ها مقتضی را برای حجیت فراهم می‌کند اما باید ببینیم موانعی در برابر این‌ها هست یا نه؟ اگر موانعی نبود می‌توانیم قائل به حجیت روایات نهج البلاغه شویم. ولی این‌جا موانعی در برابر حجیت روایات نهج البلاغه وجود دارد یا ممکن است به نظر کسی به عنوان مانع محسوب شوند، لذا باید ببینیم که این امور مانعیت دارند یا خیر؟

موانع حجیت نهج البلاغه

ما این موانع را به دو دست تقسیم کردیم: ۱. موانع شکلی. ۲. موانع محتوایی
این نام‌گذاری و تسمیه برای تفکیک این موانع است و لذا ممکن است بعضی از این‌ها به نوعی به نظر شما قابل جابجایی باشند، ولی این خیلی مهم نیست.

این موانع را همراه با ذکر موارد که بگوییم معلوم می‌شود منظور ما از موانع شکلی چیست.
منظور ما از موانع شکلی یعنی آن اموری که به نوعی مربوط به الفاظ این احادیث است و به نقل آن‌ها مربوط می‌شود و می‌تواند خللی در اعتبار این روایات ایجاد کند.

منظور از موانع محتوایی یعنی مشکلاتی که به مضمون و محتوای این احادیث مربوط می‌شود.

موانع شکلی

از موانع شکلی اجمالاً به چهار مانع اشاره می‌کنم.

مانع اول: اختلاف در متن روایات نهج البلاغه

بعضا بین روایات نهج البلاغه اختلاف است. قهرا وقتی این اختلاف وجود داشته باشد، در مواجهه با متن و روایت با مشکل مواجه می‌شویم.

خود سید رضی در مقدمه نهج البلاغه به این اختلاف اذعان کرده و می‌گوید: در روایات حضرت علی (علیه السلام) اختلاف شدیدی وجود دارد، گاهی سخنی را در روایتی یافتیم و همان‌طور که بود آن را نقل کردم، سپس روایت دیگری به دستم رسید در همان موضوع که با روایت قبل یکی نبود، آنگاه به خاطر مطالب بیشتری که در آن بود یا به دلیل الفاظ جالبتری که در آن به کار رفته بود لازم دیدم این روایت را هم بیاوریم.

پس اصل اختلاف بین روایات نهج البلاغه چیزی است که سید رضی خود نیز به آن اذعان داشته و وجود این اختلاف قهرا یک مانع شکلی است. مانعیت آن نیز از این جهت است که ما درباره آنچه سید رضی نقل کرده بحث می‌کنیم، ممکن است در غیر کتاب نهج البلاغه بین کتاب‌هایی که منعکس‌کننده سخنان و خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی (علیه السلام) است اختلاف باشد ولی ما با آن اختلاف کاری نداریم، اختلاف بین نقل‌ها در منابع مختلف وجود دارد اما در خود نهج البلاغه اختلاف متنی وجود دارد گواهی هم بیان خود سید رضی است که می‌گوید: من گاهی مطالبی را قبلاً آوردم بعد به دلایلی لازم بوده روایت دیگری که به دست من رسیده را نیز بیاورم این یک مانع است. حال با وجود همه شواهد و قرائن حجیت روایات نهج البلاغه چه باید کرد؟ آن‌ها چه کمکی به حل این مشکل می‌توانند بکنند؟

مانع دوم: تقطیع روایات

یعنی بریدن روایات و جدا کردن روایات، بدیهی است جدا کردن روایات می‌تواند مخل به معنا و مراد متکلم باشد. یک کلام یکپارچه گاهی شامل بخش‌هایی است که به اتکای آن قرائن، گوینده سخن می‌گوید. حال اگر این کلام تکه تکه شود این قرائن جدا می‌شوند و این نکته‌ای است که خود سید رضی به آن اذعان کرده است. اتفاقاً این از آن اشکالاتی بود که مرحوم تستری در شرح خود برای آن نمونه‌ای نیز بیان کرده بود و گفته بود مثل این می‌ماند که شخص در جمله «لاتقربوا الصلوة و انتم السکاری»، جمله «لاتقربوا الصلوة» را یک جا بیاورد و جمله «انتم سکاری» را جای دیگری بیاورد، این جدا کردن بسیار اثر گذار است. البته بیان محقق تستری اغراق آمیز است. برای اینکه می‌خواهد بگوید این تفکیک و تقطیع چقدر می‌تواند زیان بار باشد.

به هر حال این مانع مهمی است ما این را از موانع شکلی قرار دادیم که اگر تقطیع سخنان حضرت علی (علیه السلام) صورت گرفته باشد، با آن علو مضمون و شهرت و مطابقت با روایات و کتاب چطور می‌خواهید این مشکل را بر طرف کنید؟ لذا این موانع کماکان به قوت خود باقی است.

سوال

استاد: نقل‌های مختلف به نوعی تأثیر در معنا دارد، ولی نفس تفاوت در نقل یک مانع شکلی است اینکه دو جور نقل شده یعنی با این ابزارها کدامشان را معتبر بدانم. نفس اختلاف در متن یک مانعی است. اصل موضوع برای تثبیت بحث مطرح می‌شود که بالاخره درست است که ما در مرحله اول می‌گوییم با موازین علم رجال می‌رویم جلو ببینیم می‌توانیم این روایت را از مرسل بودن خارج کنیم؟ گفتیم که مشکلاتی دارد در مرحله دوم گفتیم بیاییم از راهی غیر از موازین علم رجال که ذهن ما معطوف شود به احوال راوی و بخواهیم روات را سر و سامان دهیم. گفتیم دست ما از آن کوتاه است. در مرحله بعد می‌خواهیم ببینیم آیا می‌توانیم قرائنی بر

اطمینان به صدور این روایات بر مبنای حجیت خبر موثوق الصدور از امام پیدا کنیم؟ قرائن وجود دارد ولی یک مانعش همین اختلاف در متن است وقتی متن متعدد باشد با این قرائن ما می‌خواهیم چه کار کنیم؟ وقتی تقطیع شده باشد ما می‌خواهیم چه کنیم؟ این را سید رضی خودش اذعان کرده، یعنی این اشکال مستند به خود سخنان سید رضی است.

مانع سوم: عدم اشتمال بر همه سخنان حضرت علی (علیه السلام)

این نکته را نیز در گذشته هم ما گفتیم و هم سید رضی خودش در مقدمه آورده است که نهج البلاغه شامل همه سخنان حضرت علی (علیه السلام) نیست. سید رضی در می‌گوید: آنچه نیاورده‌ام بیش از آن چیزی است که آورده‌ام، می‌گوید: من به همه آن‌ها دسترسی پیدا نکردم (تازه با اینکه این همه منابع در اختیار داشته است) دیروز عرض کردم که مسعودی در مروج الذهب می‌گوید: مردم چهار صد و هشتاد و اندی از خطبه‌های حضرت علی (علیه السلام) را از حفظ بودند و برای هم طرح می‌کردند. در حالیکه آنچه در نهج البلاغه آمده دویست و چهل و اندی خطبه است، یا مثلاً می‌گویند: در آن مدتی که حضرت علی (علیه السلام) نماز جمعه اقامه می‌کرده خطبه‌های زیادی ایراد کرده است در حالیکه هیچ کدام از خطبه‌های ایشان اینجا نوشته نشده. پس اصل اینکه این نهج البلاغه مشتمل بر همه سخنان حضرت علی (علیه السلام) نیست به اذعان خود سید رضی و دیگران مسلم است، اما این موارد چگونه مانعیت دارند؟ وقتی برخی از سخنان و گفته‌های حضرت علی (علیه السلام) حذف شده و از بین سخنان آن حضرت هم بخشی گزینش شده است، طبیعتاً ما نمی‌توانیم به آن اعتماد کنیم.

همین که برخی از متن‌ها حذف و گزینش شده موجب خدشه در اعتبار است. در یک خطبه می‌تواند دو نوع حذف صورت گرفته باشد یعنی این عدم اشتمال دو مصداق دارد:

۱. راساً یک خطبه‌ای آورده نشده از باب اینکه به آن خطبه دسترسی پیدا نکرده است.

۲. از همان کلامی که موجود بوده بخشی را آورده و بخشی را حذف کرده است.

تقطیع می‌تواند به مورد دوم برگردد یا به همان اشکالی که قبلاً از محقق تستری نقل کردیم مبنی بر اینکه تمام توجه سید رضی به این بوده که کلمات فصیح و بلیغ حضرت علی (علیه السلام) را جمع کند. به هر حال عدم اشتمال به نوعی اعم از تقطیع و اعم از آن اشکال قبلی است، تقطیع نیز لزوماً به این معنا نیست که یک تکه را آورده و یک تکه را نیاورده بلکه تقطیع به این معنا نیز می‌باشد که یک تکه را یک جا آورده و دیگری را در جای دیگر. یعنی بین کلام حضرت علی (علیه السلام) فاصله انداخته است. این غیر از نیابردن بخشی از سخنان است، مثل صاحب وسائل که هر قسمتی از روایت را که به یک باب مربوط بوده در آن باب برده و بقیه را در باب‌های مختص به خود آورده، خود این جدا کردن و فاصله انداختن بین بخش‌های مختلف کلام طبیعتاً خدشه ایجاد می‌کند و ما چطور می‌خواهیم با آن قرائن اثبات کنیم این را؟

مانع چهارم: نسبت‌های ناصحیح و غیر قابل اعتنا

این مورد نیز یک مانع شکلی است. این‌ها در واقع در مرحله اول به نوعی اصل استناد را دچار مشکل می‌کند و یک مانعی در برابر آن قرائن است.

مثل اینکه یک مطلبی که از غیر حضرت علی (علیه السلام) بوده را نسبت داده به حضرت علی (علیه السلام) مثلاً فرض کنید از پیامبر (صلی الله علیه و السلام) یا امام حسن (علیه السلام) بوده که نسبت داده به حضرت علی (علیه السلام) یا مثلاً کلامی در

خواب بوده که نسبت داده به حضرت علی (علیه السلام)، یا سخنی در محلی گفته شده که آن را در غیر آن محل به حضرت علی (علیه السلام) نسبت داده‌اند. پس مجموعه‌ای از نسبت‌های ناروا و ناصحیح وجود دارد که این نسبت‌های ناصحیح و ناروا در برابر آن‌ها یک مانع است.

ممکن است شما سؤال کنید که این‌ها را قبلاً گفتید چرا دوباره تکرار می‌کنید؟ پاسخ این است که این موانع شاید در سه موضع مورد توجه قرار گرفت است:

۱. برخی از این موانع در مرحله اول مطرح شد. یعنی به عنوان اینکه اساساً این‌ها شاهد بر این است که نهج البلاغه از حضرت علی (علیه السلام) نیست بلکه تالیف سید رضی است، یعنی انتسابش را به حضرت علی (علیه السلام) زیر سؤال می‌برد.
۲. همین‌ها با یک تفاوت‌هایی در مرحله دوم که آیا اساساً این سخنان که از حضرت علی (علیه السلام) است، مطرح شد. این‌ها خودش دلیل بر این است که این روایت ضعیف است، این‌ها خودش شاهد بر ضعف این روایات است و باعث می‌شود که این روایات را به عنوان روایات مسند نتوانیم قبول کنیم.
۳. این موانع به نوعی مقابل شواهدی است که ما به کمک آن در صدد حجیت روایات نهج البلاغه، با قطع نظر از موازین علم رجال، باشیم.

پس در سه مرحله بعضی از اشکالات مشترکاً مطرح شده است به دلیل اینکه اینها هر کدام در آن مرحله به نظر برخی صلاحیت مانعیت داشتند، مطرح گردید.

موانع محتوایی

ما دو دسته مانع محتوایی داریم. این تقسیم بندی در حقیقت یک ساختاری است برای بحث ما در جلسات آینده. ما دو دسته مانع محتوایی داریم:

دسته اول

یک دسته از موانع محتوایی در حقیقت مضمون برخی از روایات نهج البلاغه است که با روایات صحیح و معتبر موجود در سایر کتب روایی و جوامع روایی ما تکذیب می‌شود یعنی ناسازگاری بعضی از مضامین روایات نهج البلاغه با آموزه‌های شیعی، در این مورد تقریباً سه مورد قابل ذکر است:

۱. در خطبه دویست و شانزده حضرت علی (علیه السلام) سخنی گفته که از او رائج عدم عصمت استشمام می‌شود. معلوم است عدم عصمت با آموزه‌های شیعی و روایات ما سازگار نیست.

۲. در برخی از خطبه‌ها و روایات نهج البلاغه از خلفا تمجید شده و این با آموزه‌های شیعی ما سازگار نیست.

۳. مجبور بودن انسان. اینکه طبق برخی از روایات کانه انسان از خودش اختیار ندارد و مجبور است. این با عقاید امامیه سازگار نیست زیرا بر می‌گردد به مسئله جبر که با روایات ما سازگار نیست.

این موارد با مضامین روایات دیگر و آموزه‌های شیعی ما سازگار نیستند.

دسته دوم

موانعی هستند که گویا پذیرش آن اساساً مشکل است. با این موارد چه باید کرد؟

۱. نقصان عقل در زنان. این فی نفسه یعنی چه؟ اصلا موضوع چیست و یا چه توجیهی در مورد آن می‌توان ذکر کرد؟ بعضی برای هر کدام توجیهاتی کردند. مثلا برای توجیه نقصان عقل در زنان می‌گویند سید رضی در یک محیط مرد سالار رشد کرده بود و سلیقه سید رضی در گزینش چنین مطالبی دخیل بوده است. اینکه سید رضی در همه نهج البلاغه یک مورد را آورده، نمی‌توان گفت که سلیقه سید رضی بوده است. بالاخره باید ببینیم منظور حضرت علی (علیه السلام) چه بوده که این‌ها را متهم به نقص عقل کرده است.

۲. جنسیتی کردن فضائل و رذائل. در جاهایی حضرت علی (علیه السلام) اصلا برای جنس زن یک سری فضیلت‌ها و رذیلت‌هایی ذکر کرده و برای جنس مرد نیز یک سری فضیلت و رذیلت ذکر کرده است. این هم خیلی مهم است که آیا اساسا ما یک معیار منطقی و عقلی و شرعی برای جنسیتی کردن فضیلت و رذیلت‌ها داریم؟ این هم یک موضوعی است که باید بررسی کنیم.

۳. مسئله دیگر این است که در نهج البلاغه عبارات تحقیر آمیز به کار رفته در حالیکه روش حضرت این نبوده که دیگران را تحقیر کند این عبارات تحقیر آمیز فلسفه اش چیست؟

۴. در بعضی روایات به نوعی حضرت علی (علیه السلام) از خود ستایش کرده است و این چندان پسندیده نیست.

پس در واقع دو دسته کلی از موانع دو دسته‌اند: ۱. موانع شکلی. ۲. موانع محتوایی.

در مورد موانع شکلی باید دید آیا با وجود اینها بالاخره قرائن صدق و اعتماد به صدور روایات با مشکل مواجه می‌شود یا خیر؟ که باید راه چاره بیندیشیم.

موانع محتوایی نیز خودش به دو دسته ابتدایی تقسیم می‌شود. البته می‌توانیم این دسته بندی را نکنیم ولی برای دقیق‌تر شدن بحث می‌گوییم:

یک دسته از موانع محتوایی بر می‌گردد به روایات‌های نهج البلاغه که معارض دارد و مستقیما با آموزه‌های دینی یا با روایات و آیات تعارض دارد.

یک دسته از روایات نهج البلاغه نیز فی نفسه شبهه برانگیز است مخصوصا در این دوران بیشتر می‌تواند منشا سوال و پرسش شود و دست آویزی قرار بگیرد که نهج البلاغه را زیر سوال ببرند. برای هر کدام نمونه‌هایی بیان کردیم:

دسته اول: سه مورد یعنی ۱. عدم عصمت. ۲. تمجید از خلفاء. ۳. مسئله جبر.

دسته دوم: ۱. تحقیر بعضی در نهج البلاغه. ۲. نقصان عقل در زنان. ۳. جنسیتی کردن فضائل و رذائل. ۴. خود ستایی.

«والحمد لله رب العالمین»